

این تغییر ادبیات را تمایل ایران به مذاکراتی جدید برای توافقی تماماً تازه دیدند و وزارت خار جه مجبور شد توضیح دهد که منظور همان احیای توافق پیشین است.

بر خلاف انتظارات خوش بینانه، دولت رئیسی عجله‌ای برای امضای متن آماده نشان نداد: چند هفته اول موضع دولت جدید «بررسی نتایج گفت‌وگوهای پیشین» بود؛ بعد از آن گفته شد که بر خلاف متنی که از مذاکرات عراقچی به ارث رسیده، دولت در حال تنظیم متنی تازه با خواسته‌های متفاوت است. متن جدید، چنان که پیش‌بینی می‌شد، از سوی طرف‌های دیگر رد شد و وزارت خار جه یکی یکی از مواضع جدید خود عقب رفت. امیر عبداللهیان و باقری کنی، چند ماهی پس از شروع گفت‌وگوها کم‌کم با واقعیت‌های وضعیت آشنا شدند تا وزیر خار جه، حتی صحبت از احتمال نیاز به گفت‌وگوی مستقیم دوباره با آمریکا کند؛ همان کاری که پیشتر هم مذاکرات را به نتیجه رسانده بود. اما واکنش تندی که علی شمخانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و البته حسین شریعتمداری، صاحب‌تریبون کیهان نشان دادند، در کنار فقدان حمایت جدی در میان بدنه سیاسی حامی دولت، به سرعت او را به عقب‌نشینی واداشت تا همان فرمول ناکام ادامه یابد. هشدارهایی که ظریف در روزهای آخر کار خود داده بود هم نادیده گرفته شد: او تأکید می‌کرد دنیا به همین شکل نمی‌ماند و فرصت احیای برجام، ابدی نیست. این دست و آن دست کردن دولت اما ادامه یافت تا دنیا تغییر هم کرد.

حمله روسیه به اوکراین، یکی از بازیگران اصلی برجام یعنی مسکو را در تقابلی جدی با آمریکا و بازیگران اروپایی قرار داد و فوریتهی ایجاد کرد که برجام در از فهرست دغدغه‌ها پایین‌تر برد. برداشت دولت ایران اما مثبت بود: توقف خرید حاملان انرژی از روسیه توسط اروپایی‌ها، «زمستان سخت» برای آن‌ها به همراه خواهد داشت و آن‌ها برای رفع نیاز خود به سراغ ایران خواهند آمد و آن زمان، فرصت مناسبی برای حل مسائل ایجاد خواهد شد. زمستان البته آمد و رفت، اروپا مسئله انرژی را به هر ترتیب مدیریت کرد ولیکه فرارگرفتن ایران در کنار روسیه، خصومت‌ها با تهران را بیشتر هم کرد.

▼ سال‌زلزله

سال ۱۴۰۳ برای ایران در دنیایی شروع شد و در دنیایی کاملاً متفاوت پایان یافت. سالی که به تبادل آتش مستقیم بین ایران و اسرائیل شروع شده بود، بعد از سه دهه بار دیگر دولتی ناتمام را پیش روی ایران گذاشت. مرگ ناگهانی رئیسی، رئیس‌جمهور وقت، امیر عبداللهیان، وزیر خار جه وقت و همراهانشان در حادثه‌ای هوایی، ناگهان ایران را بی دولت و نیازمند برگزار فوری انتخابات می‌کرد. انتخابات عجیب‌و غریب و نامنتظره ۱۴۰۳ در نهایت با پیروزی نامرئی تمام شد که تصور می‌شد، تمایل بیشتری از رقیب اصلی‌اش، دوباره جلیلی، برای پیگیری راه‌های دیپلماتیک در حل بحران‌های خارجی داشته باشد. مسعود پزشکیان، نماینده اصلاح‌طلب چند دوره مجلس و وزیر دولت اصلاحات، پزشکیان اما قبل از اینکه شروع به کار کند، با حادثه‌های بعدی مواجه شد: اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس که برای حضور در مراسم تحلیف پزشکیان به تهران آمده بود، در خاک ایران ترور شد. چندی بعد، بر جسته‌ترین چهره متحد ایران در منطقه، سیدحسن نصرالله نیز هدف حمله سنگین و موفقیت‌آمیز اسرائیل قرار گرفت. پس از آن، ایران برای بار دوم حمله مستقیم به اسرائیل کرد و در مقابل اسرائیل هم اهدافی در خاک ایران را نشاناه رفت. ضربات اسرائیل به حماس، حزب‌الله و انصارالله، اهرم‌های نقش‌آفرینی ایران در منطقه را به‌شدت تضعیف کرده بود که دوزبیه دیگر، به فاصله‌ای اندک از راه رسیدند.

▼ بازگشت دشمن، سقوط دوست

پاییز ۱۴۰۳، دو اتفاق بزرگ برای ایران با خود داشت: اول پیروزی دوباره دونالد ترامپ در انتخابات و پس گرفتن کاخ سفید توسط او از بدین بود. ترامپ، با همان شعارها و تهدیدها رسیده بود. در حالی که نتانیاهو با تمام قدرت بر طبل جنگ با ایران می‌کوبید و مشتاقانه منتظر شروع دولت ترامپ بود، ناگهان، گروهی نه‌چندان مطرح در سوریه به سمت دمشق به راه افتادند. تحریرالاشام، با سرعتی که خودش هم فکرش را نمی‌کرد، فقط در یازده روز پس از شروع حرکت از شمال کنسور، پایتخت سوریه را فتح، مهم‌ترین متحد ایران در منطقه، یعنی بشار اسد را اساط و عملاً رنجبر «محرور مقاومت»، مهم‌ترین ابزار قدرت ایران در منطقه را به‌شکلی تقریباً غیر قابل جبران، قطع کرد. رزم‌مهای جنگ در منطقه زورپروز بالاتر گرفت تا جایی که به نگرانی جدی دیگر بازیگران هم تبدیل شد. مقامات دولت ایران این سو و آن سو از تمایل خود به از سرگیری مذاکره برای حل مشکلات می‌گفتند اما اعلام مخالفت قاطع نظام با هر گونه گفت‌وگو با آمریکا، دولت را از موضع پیشین خود برگرداند تا پزشکیان پشت‌تربیون پارلمان صراحتاً خیال همه را راحت کند. «بنده معتقد بودم باید گفت‌وگو کرد ولی وقتی مقام معظم‌هبری گفتند با آمریکا گفت‌وگو نشود، گفتیم گفت‌وگو نخواهیم کرد. تمام شد و رفت!» البته این بار، صحبت چندانی از گفت‌وگو با ۴۰۱ و مسیرهای جایگزین هم نبود. هر چقدر احتمال تعامل مؤثر بین ایران و آمریکا کنار زده می‌شد، باز هم کسی مسیر گفت‌وگو با اروپا یا دیگران را مطرح نمی‌کرد. پذیرفته شده بود که مسئله یا بین ایران و آمریکا حل می‌شود یا حل نمی‌شود.

▼ ناگهان، دوباره گفت‌وگو

فرمان ترامپ کم‌وبیش شبیه دولت قبلش بود: فراخواندن تهران برای گفت‌وگو از سویی و تهدیدات شدید از سمتی دیگر. این بار، همان قدر که در واکنشتن، هر روز حرف‌های متفاوت زده می‌شد، در تهران هم تکلیف معلوم نبود. مقامات دولت و بیرون از دولت هم مثل همتایانشان در آمریکا، هر روز هم از آمادگی برای مذاکره «با شرایطش» می‌گفتند و هم از آمادگی برای تقابل نظامی، خبرهای واقعی و غیرواقعی، هم از چیده‌شدن میز گفت‌وگو می‌گفتند و هم از کشیده‌شدن نقشه جنگ.

دیگر معاون وقت وزیر خار جه آمریکا می‌شد، در نهایت کار را به موفقیت

مذاکرات و امضای توافقی رساند که به عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» یا همان «برجام» معرفی شد. مجلس ایران که حالا علی‌الرحجانی را در جایگاه ریاست خود می‌دید، البته مشخصاً با تأیید و تصمیم‌نظام و به‌رغم ترکیب جناحی‌اش در آن زمان، با سرعت خوبی توافق را تصویب کرد. در ایالات متحده اما اوپاما که ابزار مشابهی برای گذر دادن پرونده از پارلمان در اختیار نداشت و چشم‌انداز مثبتی از همراهی کنگره با خود در مسئله ایران نمی‌دید، ماجرا را با استفاده از اختیارات اجرایی خود امضا کرد؛ اقدامی که به اجرایی شدن سریع پرونده و جلوگیری از دخالت مخالفان داخلی در آن منجر می‌شد اما در عین حال، پایه این توافق را در سمت آمریکا، کمی سست‌تر می‌کرد.

برجام، از نگاه بسیاری به عنوان نماد شروع دورانی جدید در تعامل ایران با دنیا، با غرب و مشخصاً با آمریکا دیده می‌شد اما اتفاقی در تهران و واکنشتن این امیدها را ناامید کرد. در تهران و پس از امضای برجام، موضع‌گیری جدی در مقابل هر گونه تغییر جدی شکل روابط با آمریکا تبیین شد. آنچه به صورت نمادین «برجام‌های ۲ و ۳» خوانده می‌شد، یعنی توافقات بعدی درباره موضوعات دیگر و برای حل‌وفصل یا مدیریت سایر اختلافات، با مخالفت جدی موافق شد و تا کیداتی دوباره بر تصمیم ایران برای حفظ تنش با اسرائیل نیز به نمایش گذاشته شد؛ اما به‌رغم همه این رفتارها، خود برجام برپا ماند تا وقتی بازی در واکنشتن تغییر کرد: دونالد ترامپ، کافه‌به‌هم‌ریز حرفه‌ای که ناگهان از حاشیه به وسط میدان سیاست آمریکا پریده بود، برجام را نیز مثل بقیه میراث اوپاما، هدف دشمنی خود قرار داد بود و مدعی بود، اگر کار به دست خودش بیفتد، نتیجه بهتری کسب خواهد کرد. او البته اوایل دلوشش، در عین تلاش برای شکل دهی به مذاکراتی دوباره با ایران، توافق را همچنان ادامه داد اما در نهایت، در سال دوم ریاست‌جمهوری، سال ۲۰۱۸، خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق را اعلام کرد و در گام‌های بعدی، تحریم‌های یک‌جانبه و گسترده را کلید زد که کم‌کم در قالب کارزاری به نام فشار حداکثری، عرصه را تا حد امکان بر ایران تنگ کردند.

انتخاب طرف ایرانی در مواجهه با این وضعیت، بر خلاف خواست ترامپ بود: بازگشت به پیگیری تلاش‌های دیپلماتیک با دیگران به جز آمریکا. این کار با استفاده از ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در برجام و تعامل با ۱۵۰۱۱ در دستور کار قرار گرفت و بعد از یک سال، فرایندی به نام «کاهش گام‌به‌گام تعهدات» نیز کلید خورد که در آن، مجدداً با استفاده از صفا قرار داد، ایران در تلاقی خروج آمریکا و عدم اجرای بندهای توافق توسط دیگران، قدم‌به‌قدم محدودیت‌های پذیرفته‌شده در برجام را کنار گذاشت. این روند، به‌رغم همه پیگیری‌ها، به نتیجه مطلوبی نرسید؛ به‌رغم همه موضع‌گیری‌های دیگران، آمریکا از مسیر انتخاب‌شده برنگشت. دیگران نیز نتوانستند جای خالی آمریکا را پر کنند و انتظارات ایران از توافق را برآورده کنند.

انتخاب طرف ایرانی در مواجهه با این وضعیت، بر خلاف خواست ترامپ بود: بازگشت به پیگیری تلاش‌های دیپلماتیک با دیگران به جز آمریکا. این کار با استفاده از ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در برجام و تعامل با ۱۵۰۱۱ در دستور کار قرار گرفت و بعد از یک سال، فرایندی به نام «کاهش گام‌به‌گام تعهدات» نیز کلید خورد که در آن، مجدداً با استفاده از صفا قرار داد، ایران در تلاقی خروج آمریکا و عدم اجرای بندهای توافق توسط دیگران، قدم‌به‌قدم محدودیت‌های پذیرفته‌شده در برجام را کنار گذاشت. این روند، به‌رغم همه پیگیری‌ها، به نتیجه مطلوبی نرسید؛ به‌رغم همه موضع‌گیری‌های دیگران، آمریکا از مسیر انتخاب‌شده برنگشت. دیگران نیز نتوانستند جای خالی آمریکا را پر کنند و انتظارات ایران از توافق را برآورده کنند.

همه چیز به نظر آمده می‌رسید: دولتی که در ایران برجام را امضا کرده بود هنوز بر سر قدرت بود و در مقابل، معاون اول دولتی که در آمریکا توافق را به نتیجه رسانده بود، ترامپ را شکست داده و به کاخ سفید برگشته بود. جو بایدن، در دوران انتخابات با هم‌هم‌زدن توافق اوپاما را از سوزه‌های انتقاد از ترامپ قرار داده بود. خروج آمریکا از برجام با یک امضا انجام شده بود و حالا بایدن اجازه این را داشت که با همان یک امضا، همه چیز را به وضعیت قبلی برگرداند. کم نبودند کسانی که تصور می‌کردند، کار تمام است و بحران به پایان خواهد رسید؛ اما ماجرا در دو پایتخت طور دیگری پیش رفت.

در واکنشتن، دولت بایدن به شکل غربیی پرونده را پشت گوش انداخت و همان «یک امضا» انجام نشد. برخی تحلیلگران که به نظر، تفرکات دولت جدید را نشان می‌دادند، عجله‌ای در حل بحران احساس نمی‌کردند. دولت روحانی در آخرین ماه‌های خود بود اما تفرکی در میان جامعه سیاست خارجی و واشنگتن از این بات احساس نگرانی را لازم نمی‌دید، با این استدلال که تصمیم اصلی، توسط مافوق رئیس‌جمهور ایران گرفته می‌شود و دولت بعدی که احتمالاً دولتی «محافظه‌کار» خواهد بود، همان اصولگرا می‌شد. مثل دولت روحانی توافق را می‌پذیرفت. به‌رغم انتصاب مقاماتی با نگاه مثبت به برجام، در خواست‌های حامیان توافق برای تعجیل هم نادیده گرفته شد و دولتی که در زمستان ۱۳۹۹ بر سر کار آمده بود، تا بهار ۱۴۰۰ اقدامی در این باره نکرد.

پیگیری دوباره گفت‌وگوها البته از اوایل بهار ۱۴۰۰ آغاز شد. این بار به جای ظریف خمی از درگیری‌های داخلی، عراقچی سخنان اصلی را به دست گرفت و گفت‌وگوها، با سرعت و جدیت امیدوارکننده‌ای پیش رفت اما زمان به ضرر دولت روحانی پیش می‌رفت و انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد. روحانی در هفته‌های آخر، جسته و گریخته وضعیتی را تشریح کرد که بعدها هم با تأکید بیشتر از سوی او توصیف شد: گفت‌وگوهایی که به نتیجه رسیده، همه توافق‌ها حاصل شده و فقط تصمیم نهایی مانده. روحانی در روزهای آخر حتی مشخص کرد که به محض اتخاذ تصمیم در تهران، گام برداشته خواهد شد و تلاش‌های عراقچی، برجام را از فهرست مشکلات دولت بعدی حذف خواهد کرد. تصمیم پایتخت اما چیز دیگری بود: نگاهی بماند برای دولت بعدی. لقمه آماده بود اما دولت بعدی، بازی دیگری در ذهن داشت.

▼ بازی بدون توپ و زمین

دولت سید ابراهیم رئیسی که وزارت خار جه را به یکی از همکاران اسبق و منتقدان وقت ظریف، یعنی حسین امیرعبداللهیان سپرده بود، پرونده هسته‌ای را تحویل گزینه عبیبی داد: علی باقری کنی، یار قدیمی سعید جلیلی و از اعضای تیم مذاکره‌کننده او که تمام روزهای بعد از امضای برجام را صرف حمله به این توافق کرده بود، به عنوان معاون وزیر خار جه و جانشین عراقچی، مسئول گفت‌وگوها برای احیای همان توافق شد. نازضاتی شخصی او از وضعیت جدید حتی در ادبیات دولت رئیسی هم مشهود بود: وزارت خار جه در توصیف گفت‌وگوها به جای عبارت پیشین، «مذاکرات احیای برجام»، بدون ذکر نام توافق از عبارت مذاکرات رفع تحریم‌ها» استفاده کرد و این را تا آن جا ادامه داد که بازیگران دیگر، معنای

دیپلمات‌ها



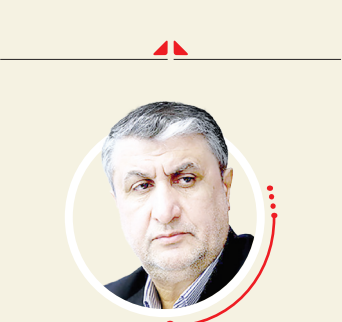
مسئولیت صیانت از برنامه هسته‌ای

اسماعیل بغانی، سخنگوی وزارت امور خار جه جمهوری اسلامی ایران، روز چهارشنبه «روز ملی فناوری هسته‌ای را به مدیران، دانشمندان، متخصصان و تالاشگران این عرصه راهبردی» تریک گفت و «به روان پاک شهدای عرصه علم و فناوری هسته‌ای ایران» درود فرستاد و یاد آن‌ها را گرمای داشت. بغانی طی پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، نماد اراده ملی و محصول تلاش، ابتکار و پایداری ملت ایران در مسیر دستیابی به دانش و فناوری‌های پیشرفته است. این فناوری امروز به‌عنوان دانشی بومی در خدمت پیشرفت، سازندگی و اقتدار علمی کشور قرار دارد.» او در ادامه نوشت: «صیانت از دستاوردهای ملت ایران در حوزه دانش هسته‌ای و کاربردهای متنوع صلح‌آمیز آن، یک مسئولیت ملی است.» سخنگوی دستگاه دیپلماسی ایران در پایان نوشت: «وزارت امور خار جه همچون گذشته، با تمام توان از همه ظرفیت‌های خود برای پاسداشت حقوق ملت ایران در حوزه هسته‌ای استفاده خواهد کرد.»



تعامل بهتر از تقابل است

سخنگوی کرملین معتقد است: «اینکه تماس‌ها میان ایران و آمریکا چه مستقیم باشد، چه غیرمستقیم، چندان مهم نیست بلکه آنچه اهمیت دارد این است که تماس‌ها و گفت‌وگوها همواره بهتر از اقدامات تقابلی است که تنها به شدت گرفتن تنش منجر می‌شود.» به گزارش ایرنا، دیمیتری پسکوف در پاسخ به خبرنگاری که با استناد به گزارش رسانه‌های غربی مدعی اعلام آماده‌باش به نیروهای مسلح ایران در پی تهدید دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شد، گفت: «ما معتقد هستیم که در شرایط کنونی، نکته اصلی تمرکز بر روی اخباری است که از امکان تماس‌ها میان تهران و واشنگتن صحبت می‌کند.» سخنگوی کرملین در عین حال گفت: «با توجه به لفاظی‌های مقامات ایالات متحده آمریکا، آماده‌باش نیروهای مسلح ایران، تصمیمی طبیعی است.» پسکوف در پاسخ به این سوال که آیا این وضعیت باعث نگرانی مسکو شده است؟ گفت: «البته، مانند دیگر کشورها، وخامت اوضاع، روسیه را نگران می‌کند.»



فاز سوم توسعه هسته‌ای

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی در مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای گفت: «امروز با اذن پروردگار و در فاز سوم توسعه صنعت هسته‌ای خواهیم شد که البته این فعالیت‌ها را از حدود یک دهه پیش شروع کردیم. ولی امروز وارد فاز صنعتی می‌شویم و فاز سوم ما فاز طلایی و اصلی قدرت‌زا و اقتدارآفرین برای کشور است که به آن ورود پیدا کردیم.» اسلامی گفت: «صنایع را شناسایی و شرکت‌هایی که باید نیروگاه‌های اتمی را بسازند با جامنایی که صورت گرفته آنها را تأسیس و فعالیت‌هایشان را آغاز کنند و یک بسته مالی هم برای آن طراحی شده است.» معاون رئیس‌جمهور در تشریح ویژگی نیروگاه‌های اتمی بیان کرد: «مهم‌ترین ویژگی نیروگاه‌های اتمی این است که تولید انرژی آن پایدار است. انرژی پاک است و بازدهی سرمایه آن با هیچ ظرفیت نیروگاهی قابل‌مقایسه نیست.»